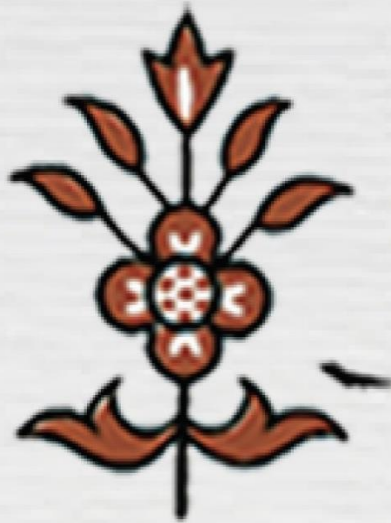




بسته مستندات سخنرانی «عزت دینی»

دهه سوم محرم ۱۴۰۵

این مجموعه، مستندات سخنرانی‌های استاد محترم، دکتر غلامی، در دهه سوم محرم ۱۴۰۵ را در بر می‌گیرد. در این بسته، آیات، روایات، حکایات و ارجاعات به منابعی که در هر جلسه مورد استناد قرار گرفته است، به‌منظور دسترسی آسان پژوهشگران و علاقه‌مندان، در قالب مجزا برای هر شب مستندسازی و تنظیم شده است.

• تولید محتوا و نگارش:

معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

• طراحی و صفحه‌آرایی:

معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

جلسه سوم

مستندات قرآنی:

۱. «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»، بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبی‌ها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی.»؛ آیه شریفه ۲۶، سوره مبارکه آل عمران.

۲. «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَيْتَبَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا.»، همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است]، چرا که عزت، همه از آن خداست؛ آیه شریفه ۱۳۹، سوره مبارکه نساء.

۳. «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ.»، می‌گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آنجا بیرون خواهد کرد.» و[لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند؛ آیه شریفه ۸، سوره مبارکه منافقون.

۴. «وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ.» و چون به او گفته شود: «از خدا پروا کن» نخوت، وی را به گناه کشاند. پس جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است؛ آیه شریفه ۲۰۶، سوره مبارکه بقره.

۵. «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ.» و آنان را مسلماً آزمندترین مردم به زندگی، و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند خواهی یافت. هر يك از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت. و خدا بر آنچه می‌کنند بیناست؛ آیه شریفه ۹۶، سوره مبارکه بقره.

۶. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.» هر چه بر [زمین] است فانی‌شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند؛ آیات شریفه ۲۶ و ۲۷، سوره مبارکه الرحمن.

۷. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد؛ آیه شریفه ۸، سوره مبارکه ممتحنه.

مستندات روایی:

۱. امیرالمومنین (علیه السلام): «عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا وَالْمُبْلِيَةِ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ وَأَمُّوا عِلْمًا فَكَأَنَّهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ وَكَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءُ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ وَطَالِبٌ حَثِيثٌ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَمُزْعَجٌ فِي الدُّنْيَا حَتَّى يُفَارِقَهَا رَغْمًا فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا وَلَا تَجَزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَضَرَاءِهَا وَبُؤْسِهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ.»، ای بندگان خدا، شما را به ترک دنیایی سفارش می کنم که شما را رها می سازد، گر چه شما جدایی از آن را دوست ندارید، دنیایی که بدن های شما را کهنه و فرسوده می کند با اینکه دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید. شما و دنیا به مسافرانی مانند که تا گام در آن نهند، احساس دارند که به پایان راه رسیده اند، و تا قصد رسیدن به نشانی کرده اند، گویا بدان دست یافتند، در حالی که تا رسیدن به هدف نهایی هنوز فاصله های زیادی است. چگونه می تواند به مقصد رسد کسی که روز معینی در پیش دارد و از آن تجاوز نخواهد کرد مرگ به سرعت او را می راند، و عوامل مختلف او را بر خلاف خواسته خود از دنیا جدا می سازد.

پس در عزّت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید، و فریب زینت ها و نعمت ها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا عزّت و افتخارات دنیا پایان می پذیرد، و زینت و نعمت هایش نابود می گردد، و رنج و سختی آن تمام می شود، و هر مدّت و مهلتی در آن به پایان می رسد، و هر موجود زنده ای به سوی مرگ می رود؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۴ و ۱۴۵، خطبه ۹۹.

۲. امیرالمومنین (علیه السلام): «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ.»
شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۳۳، حکمت ۳۳۳.

۳. امیرالمومنین (علیه السلام): «حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ.»
حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۹، خطبه ۳۴.

۴. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ.»
از زیرکی مؤمن پروا کنید زیرا که او در پرتو نور خدای عزوجل می نگرد؛

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَوْ مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ يَقُولُ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ»، به راستی که خداوند تمام کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده است، ولی این اختیار را به او نداده است که خود را ذلیل و خوار شود. مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «عَزَّتْ، تنها برای خدا و رسولش و مؤمنان است.» بنابراین، مؤمن عزیز است و ذلیل نمی‌شود. آن‌گاه فرمود: در واقع مؤمن از کوه هم محکم‌تر است، چرا که از کوه با بیل و کلنگ کم می‌شود، ولی مؤمن چیزی از دینش کاسته نمی‌گردد؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۶۳.

۶. امام صادق علیه السلام: «وَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ جَارَهُ فَقَالَ إِصْبِرْ عَلَيْهِ فَقَالَ يَنْسُبُنِي النَّاسُ إِلَى الذُّلِّ فَقَالَ إِنَّمَا الذَّلِيلُ مَنْ ظَلَمَ»، مردی به حضرت صادق علیه السلام از همسایه خود شکایت کرد فرمود صبر کن.

عرض کرد مردم مرا نسبت به خواری و ذلت می‌دهند. فرمود خوار و ذلیل کسی است که ظالم باشد؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۲۰۲.

۷. زهیر بن قین رضی الله عنه: «وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ، ثُمَّ نُشِرْتُ، ثُمَّ قُتِلْتُ حَتَّى أُقْتَلَ هَكَذَا أَلْفَ مَرَّةٍ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُ بِذَلِكَ الْقَتْلَ عَنْ نَفْسِكَ، وَعَنْ أَنْفُسِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَانِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ.»، به خدا سوگند، دوست داشتم که کشته شوم و سپس، زنده شوم و سپس، کشته شوم و تا هزار مرتبه مرا بکشند؛ اما خداوند با کشته شدن من، کشته شدن را از تو و از جان این جوانان خاندانت، دور بدارد؛ مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۲.

۸. عبدالملک مروان: از این پس هر کس مرا به تقوا امر کند، گردن او را خواهم زد؛ سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۱۹.

۹. مردی از انصار را حاجتی پیش آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله از آن اطلاع یافت و به او فرمود: هر چه در خانه داری نزد من بیاور و چیزی را بی‌ارزش بشمار.

آن مرد یک زیرانداز زین اسب و یک کاسه آب خوری نزد پیامبر ﷺ آورد، پیامبر خدا ﷺ فرمود: چه کسی خریدار این‌هاست؟ مردی عرض کرد: به یک درهم خریدارم. پیامبر ﷺ فرمود: چه کسی بیشتر می‌خرد؟ مردی گفت: دو درهم. پیامبر ﷺ فرمود: آنها برای توست. سپس به آن مرد انصاری فرمود: با یک درهم غذایی برای خانواده‌ات تهیه کن و با درهمی دیگر تبری بخر. آن مرد تبری خرید و نزد پیامبر ﷺ آورد. آن حضرت ﷺ فرمود: چه کسی دسته‌ای برای این تبر دارد؟ یکی از اصحاب گفت: من دارم. پیامبر ﷺ دسته تبر را از آن مرد گرفت و با دست خود تبر را برای آن مرد انصاری آماده کرد و به وی داد و فرمود: برو و هیزم جمع کن و هیچ خار و کنده خشک و تری را ناچیز مپندار. آن مرد تا پانزده شب کار کرد. پس از آن در حالی که وضع او خوب شده بود نزد پیامبر ﷺ آمد. پیامبر ﷺ فرمود: این حال تو بهتر از آن است که روز قیامت با چهره‌ای بیایی که خراش صدقه بر آن است؛ ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، تحقیق محمد ناصر الدین البانی و مشهور حسن سلمان، ریاض، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، بی تا، ص ۲۸۵.

۱۰. «فَقَالَتْ: مَا هَذَا الرَّأْسُ؟ قَالُوا لَهَا: رَأْسُ أَبِيكَ. فَرَفَعَتْهُ مِنْ الطُّشْتِ حَاضِنَةً لَهُ وَهِيَ تَقُولُ: يَا أَبَاهُ! مَنْ ذَا الَّذِي خَضَبَكَ بِدِمَائِكَ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدَكَ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ ذَا الَّذِي أَيْتَمَنِي عَلَى صَغَرِ سَنِي؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ بَقِيَ بَعْدَكَ نَرْجُوهُ؟



يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلْيَتِيمَةِ حَتَّى تَكْبَرَ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلنِّسَاءِ الْحَاسِرَاتِ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلْأَرَامِلِ الْمَسْبِيَّاتِ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلْعُيُونِ الْبَاكِياتِ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلضَّائِعَاتِ الْغَرِيبَاتِ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ لِلشُّعُورِ الْمُنْشِرَاتِ؟ يَا أَبَتَاهُ! مَنْ بَعْدَكَ؟ وَآخِيَبَتَنَا! يَا أَبَتَاهُ! مَنْ بَعْدَكَ؟ وَآخِيَبَتَنَا! يَا أَبَتَاهُ! لَيْتَنِي كُنْتُ الْفِدَى، يَا أَبَتَاهُ! لَيْتَنِي كُنْتُ قَبْلَ هَذَا الْيَوْمِ عَمِيَاءَ. يَا أَبَتَاهُ! لَيْتَنِي وَسَدْتُ الثَّرَى وَلَا أَرَى شَيْبَكَ مُخَضَّبًا بِالْذَّمَاءِ. ثُمَّ إِنَّهَا وَضَعَتْ فَمَهَا عَلَى فَمِهِ الشَّرِيفِ، وَبَكَتْ بُكَاءً شَدِيدًا حَتَّى غَشِيَ عَلَيْهَا، فَلَمَّا حَرَّكُوهَا، فَإِذَا بِهَا قَدْ فَارَقَتْ رُوحَهَا الدُّنْيَا..»، (وقتي سر بریده امام حسین علیه السلام را برای رقیه علیه السلام آوردند) گفت این سر کیست؟ به او گفتند: سر پدرت حسین علیه السلام است. سر را با احتیاط از داخل طشت برداشت و به سینه چسبانید و با گریه های سوزناک خود خطاب به سر چنین گفت: پدر چه کسی تو را به خون آغشته کرد؟ چه کسی رگ های گردنت را برید؟ پدر چه کسی در خردسالی یتیمم کرد؟ پدر دختر یتیم تو به چه کسی پناه ببرد تا بزرگ شود؟ پدر جان زنان بی پوشش چه کنند؟ پدر جان زنان اسیر و سرگردان کجا بروند؟ پدر جان چه کسی چشمان گریان را چاره ساز است؟ پدر جان چه کسی یار و یاور غریبان بی پناه است؟ پدر جان چه کسی پریشان مویی ما را سامان می بخشد؟ پدر جان بعد از تو چه کسی با ماست؟ وای بر ما بعد از تو وای از غریبی! پدر جان کاش فدایت می شدم. پدر جان ای کاش بیش از این نابینا می شدم و تو را اینگونه نمی دیدم.



پدر جان کاش پیش از این در خاک خفته بودم و محاسنت را آغشته
به خون نمی دیدم. سپس لب ها را بر لب های پدرش امام حسین
ؑ نهاد و چنان گریست که همان لحظه بیهوش شد و وقتی او را
حرکت دادند دریافتند که از دنیا رفته است؛ طریحی، فخرالدین بن
محمد، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتہر بـ:
الفخری، تصحیح علی نضال، بیروت، الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ ق،
ص ۱۳۷